

بسم الله الرحمن الرحيم

ترجمہ کتاب من لا یحضرہ الإمام

فہم مت وسائل الشیعہ

(جلد اول)

تأیید

محدث کبیر شیخ حرّاملی

رحمۃ اللہ علیہ

سعید غفارزادہ

سرشناسه	: حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۰۳۳-۱۱۰۴ ق.
مشخصات نشر	: تهران: سعید غفارزاده، ۱۳۹۷-
مشخصات ظاهری	: ج: ۱۴×۲۱ س.م.
شابک	: دوره: 978-622-00-0213-0؛ ج. ۱: 978-600-04-9471-1؛ ج. ۲: 978-622-00-0212-3
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا	
عنوان و نام پدیدآور	: ترجمه کتاب من لا یحضره الامام فهرست وسائل الشیعه / تألیف حر عاملی: [ترجمه] سعید غفارزاده.
نوع قرارداد	: من لا یحضره الامام. فارسی.
یادداشت	: کتاب حاضر فهرست مطالب کتاب "وسائل الشیعه" اثر محمد بن حسن حر عاملی است.
برسوخ	: حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۰۳۳-۱۱۰۴ ق. وسائل الشیعه - فهرست مطالب
موضوع	: احادیث شیعه - قرن ۱۱ ق.
موضوع	: Hadith (Shiites) - Texts - 17th century
موضوع	: احادیث امام
موضوع	: Hadith legal
شناسه افزوده	: مترجم، سعید غفارزاده
شناسه افزوده	: حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۰۳۳-۱۱۰۴ ق. وسائل الشیعه.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ۵۰۷۳ ح ۴ و ۱۳۰۰
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۲۱۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۰۶۷۴۶۵

ترجمه کتاب من لا یحضره الامام سعید غفارزاده

فهرست وسائل الشیعه

تألیف: محدث کبیر شیخ حرّ عاملی (رحمة الله علیه)

سعید غفارزاده

ویراستاری و مقابله آخرین متن عربی و فارسی: حسین عباسی

صفحه‌آرا: امید سیدکاظمی / نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

چاپ و صحافی: پژمان / شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شابک (جلد اول): ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۹۴۷۱-۱

ISBN (Vol. 1): 978-600-04-9471-1

شابک (دوره): ۹۷۸-۶۲۲-۰۰۰-۰۲۱۳-۰

ISBN (2 Vol. Set): 978-622-00-0213-0

همه حقوق محفوظ است

فهرست مجلدات

۵	پیش‌گفتار.....
۱۲۳	جلد اول. ابواب طهارت (۱).....
۲۰۴	جلد دوم. ابواب طهارت (۲).....
۲۸۹	جلد سوم. ابواب نماز (۱).....
۳۶۹	جلد چهارم. ابواب نماز (۲).....
۴۶۷	جلد پنجم. ابواب نماز (۳).....
۵۴۵	جلد ششم. ابواب زکاة و خمس.....
۵۸۷	جلد هفتم. ابواب روزه.....

برای مطالعه ابواب و مندرجات هر مجلد به صفحه اول همان مجلد مراجعه شود.

پیش‌گفتار

یکم

نگاه اول

نوشته‌ای که در پیش رو دارید ترجمه‌ای است از «کتاب مَنْ لَا يَخْضَرُهُ الْإِمَامُ» که خود فهرستی است بر مطالب، گزیده‌ها، استخراج و استنباط‌های نویسنده بزرگ و الایمقام و محدث کبیر، مرحوم شیخ محمد حرّاعلی بن الحسن متوفی به سال ۱۱۰۴ هجری قمری، که بر کتاب معروف و پراستار من به نام «وَسَائِلُ الشَّيْعَةِ إِلَى تَحْصِيلِ مَسَائِلِ الشَّرِيعَةِ» در احکام شریعت به طور مختصراً و قابل استفاده برای عموم نگاشته است.

گرچه نام کتاب **وَسَائِلُ الشَّيْعَةِ** و نویسنده بزرگوار آن، بر هر اصل نظری در امور شریعت شیعه، نامی آشناست و هر صاحب علاقه‌ای به آثار منقول از پیر میر اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) از شنیدن نام او و آثارش احساس تواضع در برابرش می‌کند، با این همه بسیار مفید فایده است - ولو به اختصار - شرح زندگی این خادم دین را برای آگاهی بیشتر خوانندگان نقل نماییم.

خلاصه شرح زندگی این بزرگوار از کتاب **دائرة المعارف شیعه** مجلد ششم صفحه

۲۱۷ به شرح ذیل است:

شیخ محمد حرّ العاملی (۱۰۳۳-۱۱۰۴ قمری) فرزند حسن بن علی مشغری، از علمای برجسته و محدثین گرانمایه و شعرای توانای شیعه است، که نسبش با سی و چهار پشت به جناب حرّ بن یزید ریاحی از شهدای کربلا متّهی می‌شود. وی در قریه مشغری از جل عامل (لبنان) در خانواده‌ای که غالباً دانشور و ادیب بودند، چشم به جهان گشرد و از اوان جوانی در همان دیار به تحصیل علوم دینی و ادبی پرداخت و از محضر پدرش شیخ حسن (م ۱۰۸۱ ق) و جدّ مادریش شیخ عبدالسلام بن محمد حرّ و عده‌ای از دانشمندان استفاده کرد و در فقه و حدیث و رجال و سایر علوم و فنون رایج آن عصر، مقام والایی یافته و در صف علمای بزرگ قرار گرفت و آوازه کمالات علمی او منتشر گشت.

وی تا ۴۰ سالگی در همان سامان به سر برد، سپس رهسپار عراق شد و پس از زیارت قبور ائمه اطهار (ع) و ملاقات با سادات آن دیار، به ایران آمد و به مشهد مقدس شرفیاب شد و همانجا اقامت کرد و به تدریس و تألیف پرداخت و همچنین، منصب شیخ الاسلامی و قضاوت به او سپرده شد.

شیخ حرّ عاملی در فقه، مسلک اخباریان را داشته، در عین حال مورد کمال احترام و تجلیل و تقدیر علمای بزرگ اصول واقع گردیده، که بلندی مقام است او را تأیید کرده‌اند. خود او نیز، روشی معتدل داشته و در نوشته‌هایش نسبت به علمای اصولی و اخباری به طور یکسان تجلیل کرده، هرگز سخن تند و انتقاد گزنده‌ای را بحق کسی ادا ننموده است.

شیخ حرّ عاملی همچنین ادبی توانا و شاعری زیردست و خوش قریحه بوده و دیوانی از شعر دارد متأسفانه دیوان او هنوز به چاپ نرسیده مرحوم علامه امینی او را از شعرای غدیر شمرده و اشعار پرمایه او را در این زمینه آورده است هنگام اقامتش در شهر مشهد... عده‌ای از جمله سید نورالدین فرزند سید نعمت‌الله جزایری به دریافت اجازه از او نائل گشتند و بین او و علامه مجلسی تبادل اجازه

انجام گرفته است آثار علمی شیخ حرّ عاملی به پنجاه و پنج کتاب و رساله بالغ می‌شود... اهمّ آثار او عبارت است از:

- اثبات الهداة بالنصوص والمُعْجَزَات. در این کتاب بیش از بیست هزار حدیث با حدود هفتاد هزار سند راجع به اثبات نبوت پیامبر اکرم (ص) و امامت ائمه اطهار (ع) با دو عنوان نص و معجزات فراهم آورده است. این کتاب بارها به چاپ رسیده و به فارسی هم ترجمه شده است.

- اثْنَيْ عَشْرَةَ فِي الرَّدِّ عَلَى الصُّوفِيَّةِ

- أَمَلًا مَلِكًا

- تَذَكُّرَةُ النَّبِيِّ

- الإِقْظَاظُ مِنَ الْجَعَةِ بِالْبُيُوتِ عَلَى الرِّجْعَةِ

- الْجَوَاهِرُ السُّنِّيَّةُ فِي حَاضِرِ أُنْدُسِيَّةِ

- الْفُصُولُ الْمُهَمَّةُ فِي أَصُولِ الْإِمَامَةِ

- وَسَائِلُ الشَّيْعَةِ إِلَى تَحْصِيلِ مَسَائِلِ شَرِيعَةٍ

کتاب اخیر، که مهم‌ترین و مشهورترین آثار وست و تألیف آن هجده سال به طول انجامیده است و از جوامع بزرگ حدیث به شمار می‌آید، یکی در این کتاب، احادیث احکام را به ترتیب ابواب فقه، از طهارات تا دیات، دست‌نویس و تدوین کرده و بیانات کوتاهی در ضمن آنها برای توضیح یا جمع بین روایات آورده است، ولی در کتاب «بداية الهداية» - که ذکری از آن خواهد آمد - تعداد تصنیفات مرحوم شیخ حرّ عاملی را ۲۸ عدد می‌دانند، که آخرین آنها - که به علت فوت مرحوم شیخ - تمام نمی‌رسد - تحریر الوسيلة است، که مانند شرحی بر وسائل الشیعة می‌باشد.

سرانجام این مرد بزرگ در روز ۲ رمضان مقارن با سالروز شهادت مولای متقیان حضرت علی (ع) به سال ۱۱۰۴ قمری در سن هفتاد و یک‌سالگی وفات یافت و برادرش شیخ احمد الحسن حرّ عاملی بر او نماز گزارد و در ایوان شمالی صحن عتیق

پشت ایوان مدرسه میرزا جعفر در مشهد مقدس به خاک سپرده شد. مرقدا او امروزه دارای ضریح و زیارتگاه شیفتگان علم و فضیلت است. (پایان نقل).

وقتی وسائل الشیعه نوشته و منتشر گردید به غایت مورد توجه علمای فقه از اصولیون، اخباریون قرار گرفت و از آن زمان تا به امروز محققاً یکی از بهترین و مطمئن ترین مراجع فقهی برای علماء و اهل تحقیق می باشد. کتاب وسائل الشیعه - تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد - سه بار در ایران به چاپ رسیده است. چاپ اول که به روش چاپ سنگی است در سه مجلد بزرگ، چاپ دوم در تهران و به همت فاضل محقق آقای حاج شیخ عبدالرئیم ربانی شیرازی به چاپ رسیده (نگارنده چاپ دوم آن را در اختیار دارد) در سال ۱۳۸۱ توسط انتشارات اسلامی در ۲۰ مجلد و چاپ سوم، با بازنگری عمیق در ریشه ها و رجال حدیث در ۳۰ مجلد توسط مؤسسه «آل الایت (ع) لاحیاء التراث» در قم به سال ۱۴۰۹، سحری امری به چاپ رسیده است.

خود مرحوم شیخ حرّ عاملی بعد از اتمام کتاب - برای اینکه اهل مطالعه و عمل بتوانند هرچه ساده تر و آسان تر از آن دریای ژرف، استفاده برده و احکام فقهی را راحت تر دریابند - فهرستی بر آن تنظیم نمود تا در آن، تشخیص خود را از روایات منقول در آن باب که در پاره ای از موارد دارای روایات مغایر و متضادند، بیان کرده باشد و درباره روایات مغایر و متضاد با احاطه ای که بر آن داشته، احتمالات هرچه نزدیک تر به حقیقت را تشخیص داده و مسأله را تا حدّ توانائی حلّ آن را به مصاب بودن روایات منقول در بیان احکام تأکید نماید. آن بزرگوار اسم این فهرست را - که آن را یک کتاب مستقل دانسته - «من لا یحضره الامام» یعنی «کسی که به امامی، دسترسی ندارد» گذاشته است.

بعد از این کتاب، باز هم برای خلاصه تر نمودن احکام برای طالبینی که فقط در پی دریافت واجبات و محرمات احکام باشند، از مجموع دریای وسائل الشیعه کتاب «بداية الهدایة» را تنظیم و به اهل عمل تقدیم داشته است.

پس از پایان تدوین «بداية الهدایة» یکی از شاگردان آن مرحوم به نام مراد کشمیری

این کتاب را به فارسی ترجمه و نام آن را «نورِ ساطع» گذاشته و در سال ۱۳۴۳ شمسی توسط برادر بزرگوار فقید مرحوم آقای حاج ابوتراب همدانی به فارسی روز تنظیم و توسط خود ایشان در مشهد به چاپ رسیده است. این کتاب هم - همان‌طور که گفته شد - فقط مشتمل بر واجبات و محرمات است، که به هر حال می‌تواند، کمکی مفید - اگر نه کافی - در درک احکام باشد.

در چاپ تم، که در بالا به آن اشاره شد، متأسفانه به کلی کتاب «مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْإِمَامُ» حذف شده و در عوض فقط فهرست ساده‌ای به عنوان راهنمای صفحات آورده شده است. این در حالی است که خود مرحوم شیخ آن را کتاب مهمی با ارزش و والا دانسته، که ما در صفحات آتی، ترجمه نوشته شیخ را عیناً در این باره خواهیم آورد.

دوم

انگیزه

همان‌طور که قبلاً هم گفتیم، این کتاب ترجمه «کتاب مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْإِمَامُ» تألیف محدث کبیر مرحوم شیخ خَرّ عاملی (ره) است.

انگیزه این کار برای نگارنده، اطاعت از سفارش بلکه دستور که استاد بزرگوار و فرزانه روزگار، مرحوم حاج شیخ عبدالرحیم صاحب‌العه (ره) - متوفای ۱۳۲۳ شمسی - نسبت به ترجمه و نشر آن به دوستان داده بوده‌اند.

بعد از فوت ایشان در تهران، اولین کسی از دوستان که به ترجمه آن اقدام کرد، برادر فقید مرحوم حاج جعفر حیدر علی بود. متأسفانه اولین ترجمه ایشان در جابجائی اثاث منزل مفقود گردید، که دوباره با کمک نگارنده این سطور، اقدام به ترجمه مجدد شد. در مدت حیات ایشان مقداری از ترجمه به اتمام رسید و بعد از درگذشت ایشان، برای تسریع در کار ترجمه، کنترل نهائی به عهده چند مترجم گذاشته شد.

در این باره که منظور مرحوم صاحب‌الفصول (ره) از این کار چه بوده و برای

تحقق چه هدفی به این کار امر کرده‌اند، باید گفت آنچه نگارنده - با آشنایی که از افکار بلند آن مرحوم دارد - این بوده است که نسل‌های مسلمان شیعه فارسی‌زبان، در آینده که این کتاب به دستشان می‌رسد، بتوانند به یک منبع موثق از روایات منقول از ائمه هدی (ع) دسترسی داشته باشند. چون او اصرار وافر داشت، که هر فرد مسلمان باید بتواند معارف را حتی الامکان شهودی و فقه را حتی المقدور مستند آموخته و عمل کند.

آنچه در مورد این ترجمه و متن نهایی باید گفته شود، این است که:

۱. سعی کافی برای ارائه شده است، که نهایت دقت و امانت در ترجمه رعایت شود، تا اشتباه ترجمه‌ای باعث تعبیه غنی و مسئولیت خدائی نگردد.
۲. حتی المقدور سعی شده است، که متن به فارسی ساده و رسا برگردانده شود، تا خوانندگان را فهم مطالب به آسانی میسر شود.
۳. همتی به کار رفته تا در عین سادگی متن، اصطلاحات فقهی در آن مفقود نشوند - که هر علمی را اصطلاحات و ویژگی‌هایی است - مخصوص به خود آن علم.
۴. در غالب بلکه همه ابواب کتاب جملاتی مشابه «و إِنْ شِئْتَ إِنْشَارُهُ إِلَى مَرٍّ وَ يَأْتِي» (اشاره‌ای است به آنچه گذشت و می‌آید) به چشم می‌خورد که اشاره‌ای است به اینکه مطالب مذکور در این باب، در سایر فصول گذشته و آینده نیز آمده است. در پاره‌ای از موارد، به باب و یا ابوابی که این مسأله در آنها از ابواب گذشته و آینده نیز آمده شده، اشاره می‌شود، ولی در بیشتر آنها اشاره‌ای نشده است. لذا برای خلاصه بودن متن و اینکه در ذکر و ترجمه این متون متحد، برای اغلب خوانندگانی که بخواهند از این کتاب صرفاً استفاده عملی نمایند، فایده‌ای دیده نمی‌شود، به همین علت ترجمه این جملات در همه جا حذف شده است.

۵. در پاره‌ای از ابواب، نویسنده بینای کتاب که با احادیثی مغایر و یا حتی متضاد در یک مسأله روبرو شده، دریافت یقینی خود را حکم و موارد متضاد یا مغایر را به عنوان تقیه ذکر کرده است. و تشخیص او این بوده که امام (ع) در این باره با رعایت

تقیه حکم را بیان کرده‌اند. لذا این‌گونه تشخیص‌ها هم به کلی حذف شده و آن وجه از حکم که مورد قبول و نظر خود نویسنده (مرحوم شیخ حرّ عاملی) بوده، آورده شده است.

۶. کلیه ابواب مربوط به بندگان و کنیزان که در بخش‌های مختلفی از کتاب نقل شده‌اند، به علت اینکه امروزه موردی ندارند حتی المقدور در ترجمه حذف شده‌اند. گرچه در ترجمه موارد زیادی از احکام بندگان و کنیزان که در لابلای سایر احکام آورده شده، گریزی نبوده، لذا عیناً ترجمه و نقل گردیده‌اند.

سوم

تاریخ مختصری از حدیث در اسلام
قبل از پرداختن به هر مطلبی تذکر این مهم لازم است که مقصود از مطالبی که در صفحات بعد خواهد آمد بیان تاریخ اسلام و نمی‌گوشه‌هائی از آن نیست، بلکه منظور مطالعه مختصری پیرامون شکل‌گیری و انشغال حدیث است، تا هر مقدار که ممکن شود، کمکی به روشن شدن این مسأله باشد که چقدر احادیثی که امروزه در دست ماست، معتبر و قابل اعتماد و اطمینانند باشد.

اسلام، دینی است جامع به وسعت جامعیت وجودی انسان و برای تمام اطراف و جوانب وجودیش، دستور و تکلیفی دارد و در عین حال بران احقاق همه حقوق انسان هم بهترین مدافع در طول تاریخ بوده است. دستورات جامع اسلام برای عبادات بشری در مقابل خدایش، در سفر و حضر و مراقبت‌های لازم و مفید برای سفر نمودن، لباس پوشیدن، آداب معاشرت، رعایت حقوق فرد و اجتماع، تبیین و تشویق به رعایت اخلاق انسانی، امر به معروف و نهی از منکر، تجارت و انواع ابواب اقتصادی، مانند مضاربه، مزارعه، مساقاة، ودیعه، عاریه، اجاره، وکالت، صدقات و امور خیریه، مسابقات مفید مانند اسب‌سواری و تیراندازی، وصیت، نکاح و ازدواج، سوگند و عهد و میثاق،

شکار، و ذبح انواع حیوانات، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های مجاز و ممنوع، احیاء زمین‌های موات، ارث با تمام ابعاد وسیعش، شهادت‌ها، حدود و قصاص و تعزیرات و بسیار مطالب دیگر در چارچوب واجب، حرام، مستحب و مکروه بیان شده است، تا یک مسلمان در هیچ موردی بلا تکلیف نماند.

قوانین اغلب کشورهای اسلامی از جمله کشور ما که حدود ۹۷ درصد جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند و اساس و شیرازه قانون مدنی - چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن - همه بر مبنای اساس دستورات اسلامی تنظیم شده است. این دستورات پاره‌ای به صورت کلی و مبهم و روشن و پاره‌ای به صورت‌های کلی و اصولی در قرآن بیان شده‌اند. در مواردی که این قرآن برایشان دستوراتی نیامده و یا صورت روشنی که عامل مکلف بتواند به راحتی - کم را از آن استخراج و عمل نماید، دیده نمی‌شود، توسط بزرگان دین، مانند امامان معصوم (ع) در شیعه و بزرگان مذاهب چهارگانه در مین اهل سنت به شرح و صورتی که توضیح خواهیم داد، تبیین شده و برای آیندگان باقی مانده است.

وقتی پیامبر اکرم اسلام (ص) در مکه سکونت داشت با اینکه دوسوم قرآن در آن شهر بر آن بزرگوار نازل شده بود، تقریباً حکمی به عنوان فقه اسلامی و دستورات عملی، در آن آیات دیده نمی‌شود و تمام سوره‌های مکی شامل بیست و هفت سوره اعتنا کنند. علت عمده - به باور نگارنده - این است که قبل از تعیین هرگونه تکلیفی برای انسان‌ها، لازم بوده است که مسلمانان در کسب ایمانی قوی و یقینی متقن در معارف هستی و آموختن و رعایت هرچه بهتر و بیشتر موازین اخلاقی - که اساس جامعه انسانی را تشکیل و تحکیم می‌بخشند - هرچه ممکن قوی‌تر شوند تا بعداً بتوانند برای ادای تکالیف و رعایت حقوق، هرچه بیشتر آمادگی کافی بیابند. سوره مبارکه شوری آخرین سوره‌ای^۱ است که در مکه بر پیامبر (ص) نازل شده است. متن این سوره و فرازهای

موجود در آن، نشانگر این حقیقت است که مؤمنین «مهاجر» و بعد «انصار» که می‌رفتند تا عمدتاً جامعه مؤثر مدینه را تشکیل دهند، متوجه وظائف سنگین خود شده، این توجه را به صورت کلی و اصولی داشته باشند، که می‌رود تا یک مدینه به معنای اجتماعی اسلامی آن، در شهر یثرب تشکیل شود — گرچه هیچ نامی در آن سوره (شوری) از این شهر و هجرت به آن، برده نمی‌شود.

د. اینجا به بعضی از این آیات فهرست‌وار اشاره می‌گردد:

۱. «مَا اخْتَلَفْتُمْ فِي شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ»^۱. از اینجا موضوع اختلافات احتمالی آینده و تذکر اینکه حکم آنها در صورت بروز، البته باید توسط خدا تعیین و به وسیله پیامبر ابلاغ توسط مؤمنین اجرا شود داده می‌شود.

۲. در این سوره برای اولین بار موضوع تشریع دین مطرح می‌گردد:

«شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ مَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي لِمَنْ يَشَاءُ»^۲ تشریع دین به معنای بیان آن مقدار از دین است، که جنبه عملی دارد. در مکه این مفهوم نزد جامعه مسلمین جا افتاده نبود، ولی در یثرب که می‌رفت تا مدینه‌ای تشکیل شود،^۳ ایستی رکن اساسی جامعه تلقی می‌شد.

۳. در دو آیه بعد به پیامبر (ص) امر می‌کند:

۱. و اگر در چیزی اختلاف کردید، پس حکم آن با خداوند است. آیه ۱۰

۲. در مورد دین و شرع و تشریع دین در همین نوشته، مطالبی به خواست خداوند خواهد آمد.

۳. برای شما از دین، هر آنچه را که به نوح وصیت کرد و هر آنچه را که به تو وحی کردیم و آنچه را که به آن ابراهیم و موسی و عیسی را وصیت نمودیم، تشریع نمود برای اینکه دین را به پا دارید و در آن تفرقه نیاندازید، برای مشرکان آنچه که آنها را بر آن می‌خوانی گران آید. خداوند هر که را بخواهد به سوی خود برمی‌گزیند و هر کس را که به سویی برگردد هدایت می‌کند. آیه ۱۴

فَلذَلِكَ قَادَعٌ وَاسْتَقَمَ كَمَا أُمِرْتُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ... کاملاً قابل درک است، که در جامعه مکه که پیامبر (ص) و مسلمین تحت فشارهای خردکننده کفار قریش و مشرکان بودند، برقراری عدالت فیهومی نداشته و دستوری نشدنی بود بلکه در مدینه بود، که بایستی این عدالت برقرار شود - آن هم در ابعاد مختلف مالی و اجتماعی.

۴. در آیه ۲۱ - تشریع دین را فقط مختص خدا دانسته و از آنها می پرسد:

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ يَرْعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ.^۲

در این آیه تصریحی غیر قابل انکار بر این امر دارد، که تشریع دین مخصوص خداست و کسی را این حق نیست که تشریع دین نماید و ما در همین نوشته در این باره بخواست خدا مفصلاً خواهیم نوشت.

۵. در عین حال این اخبار را هم ممکن است که ممکن است به یثرب رفتن و جامعه مدینه را ساختن، دارای عواقب و گرفتاری های مالی فردی و جمعی باشد، که این البته از اختیار خداوندی خارج نشده، ولی حکمت بالذات در رعایت حال خود مردم این چنین اقتضاء دارد:

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّقْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ بَدَّلْ مَا شَاءَ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ

بصیر.^۳

- سپس از آیه ۳۷ تا ۴۳ نشانه ها و ویژگی های یک جامعه مدنی، از زبان و اسلامی

۱. پس بر همان شرع مردم را بخوان و استقامت داشته باش و خواسته های آنان را اطاعت نکن و بگو که من بر آنچه که خدا از کتاب نازل کرده، ایمان دارم و امر شدم که بین شما عدالت برقرار کنم... آیه ۱۵
۲. آیا آنها شریکانی دارند تا برای آنها آنچه را از دین که خدا بر آن اجازه نداده، تشریع نمایند...؟ سوره شوری، ۲۱

۳. اگر خداوند در روزی را بر بندگان می گشود، البته در زمین طغیان می نمودند و لیکن به هر اندازه که خود می خواهد برایشان نازل می کند، که خداوند بر بندگان خود آگاه بیناست. سوره شوری، ۲۷

را در ۱۱ بند می‌شمارد، که عبارتند از:

الف. پرهیز از گناهان نهان و آشکار،

ب. پرهیز جدی از غضب و عصبانیت‌های جاهلیت،

ج. عفو و بخشش، پس از ارتکاب آنها از سوی افراد جامعه،

د. اجابت دعوت خدا - که عبارت از رعایت موازین الهی است،

ه. نماز را که بزرگ‌ترین مایه نگاهداری فرد و جامعه از درغلتیدن به دامان

انحرافات است برپا داشتن،

و. در کارها مشورت نمودن و پرهیز از هرگونه خودکامگی که بزرگ‌ترین آفت و

مایه ویرانی - راعم است،

ز. از آنچه خداوند به او روزی داده است به دیگران هم انفاق نمودن،

ح. ظلم را بر خود و دیگران پسندیدن و نپذیرفتن،

ط. با وجود داشتن حق انتقام به تعیب‌های جزائی، بخشیدن و دیگران را از نعمت

بزرگواری و عفو برخوردار نمودن - از خود اُکید بر حق انتقام،

ی. در پایان بردباری و عفو و بخشش را از بزرگ‌ترین کارها برشمردن.

بعد از اینکه پیامبر بزرگوار (ص) به مدینه مهاجرت فرمود، وظیفه‌ای سنگین بر

دوش او و مؤمنین - چه مهاجرین و چه انصار - گذاشته شد. او با همراهی مهاجرینی

که از مکه آمده بودند و انصاری که او و یاران او را در یثرب - که بعد از هجرت او به

مدینه النبی تغییر نام داد - جا و مکان داده و با حداکثر توانائی خود یاری کرده

بودند، می‌بایست یک جامعه نمونه و اسلامی را در آنجا بنا نهاد و این احتیاج به

قوانینی داشت، که جامعه براساس آن قوانین، خود را شکل دهد و اداره نماید.

در سوره‌های مدنی که از آن تاریخ به بعد بنر پیامبر نازل شدند، دستورات

وسیع بر او فرو فرستاده شد و در طی ده سال آخر زندگی او که در مدینه

می‌زیست، تکمیل گردید، در سفر حجۃ الوداع در منطقه غدیر خم پایان این دوره با

این آیات اعلام شد:

- اَلْیَوْمَ اَکْمَلْتُ لَکُمْ دِیْنَکُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَ رَضِیْتُ لَکُمُ الْاِسْلَامَ دِیْنًا
در زمان حیات مبارک پیامبر (ص) در مدینه، هیچ مشکلی از لحاظ تعیین و تبیین احکامی که توسط آن بزرگوار بر مردم آورده می شد نبود. چون در هر موردی مردم برای تبیین و یا تفصیل مباحث شامل امر و نهی، به خود آن بزرگوار یا کسانی که بی هیچ رادع و مانعی می توانستند به آن بزرگوار دسترسی داشته و مورد وثوق مردم بودند مراجعه و مشکلات خود را در میان بگذارند. خود آن بزرگوار هیچ وقت امتناعی از پاسخ به کوچک ترین سؤالات مؤمنان و حتی کافران و مشرکان در هیچ موردی نداشت.

در مکه وحی را مکتوب می کردند و از آن بزرگوار می شنیدند حفظ می کردند و هر از چند گاهی در هر موقعیتی که پیس می آمد، رای اطمینان بیشتر از محفوظات ذهنی خود آنها را برای پیامبر (ص) بازخوانی می نمودند، تا اگر اشتباهی باشد اصلاح نمایند. در اوایل نزول وحی و آشکار شدن دعوت آن طور که نوشته اند - فقط سه نفر در مکه خواندن و نوشتن می دانستند.

تشویق و اصرار پیامبر (ص) بر تعلیم خواندن و نوشتن مؤمنین را کم کم ترغیب نمود که این فن حیاتی را بیاموزند و هرچه از وحی می شنوند را بنویسند و آهسته آهسته این روش در مکه شیوع پیدا کرد و هرچه می گذشت بعد از بیشتری برتری سواد خواندن و نوشتن را بر بی سوادى حس می کردند و خواندن و نوشتن را می آموختند و وحی و هرچه را که از زبان رسول اکرم (ص) می شنیدند می نوشتند، تا هجرت نبوی انجام شد و پیامبر (ص) به مدینه آمدند.

۱. امروز من دینتان را برای شما کامل نمودم و نعمتم را بر شما تمام کردم و به این اسلام بر شما به عنوان دین راضی شدم. سوره مائده، ۳ نگارنده در همین نوشته توضیحاتی در مورد روایات متعدد درباره این آیات خواهد داد و برداشت های مختلف از اخبار متفاوت المعنی را - که هر کدام از گروه های فکری یک معنای آن را قبول دارند - به فهم خود تشریح خواهد کرد.